



وجیزه‌ای در مرگ یک دوست هنرمند

# موسیقیدان شاعر

از: علی اکبر کسمایی

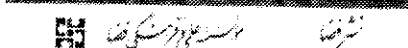
می‌پرداخت که به نظرم بیش از حد لزوم، وقت گیر و بیهوده و تباه‌کننده‌ی نیروی آفریننده و خلاق او جلوه‌گر می‌شد. درین هنگام بود که به یاد دوست جوان و دانای هنرمندم آقای «بهاء‌الدین خرمشاهی» می‌افتادم که برای انتقاد از افراط در تفسیر و تشریح دیوان خواجه، گفته است: باید اعلام «حافظ بس» داد! تفسیر و تشریح دیوان شاعران، یکی از بهترین پژوهشهای ادبی است؛ ولی به شرط آن که برای کشف واقعیت‌های زندگی و رازهای اندیشه و بیان پیام اصلی شاعر و تصویر محیط زندگی اجتماعی و سیاسی شاعر و به ویژه تفسیر روحیه و تشریح شخصیت او باشد نه کنکاش بیهوده و صرف دقت بسیار از خود خواننده، تنها بر سر یک واژه یا برپراشتن نسخه‌های قدیمی و بیان تفاوت‌های دستخط کتاب و نسخه نویسان شلخته و تطاول‌هایی که به قلم آنان بر دیوان شاعران رفته است... در این باره قزوینی‌ها، مینوی‌ها و امثالهم به قدر کفاف کار کرده‌اند و نسخه‌ها و نکته‌های جامع و مانع را به دست داده‌اند. اینک هنگام آن است که به زندگی و آثار و روزگار شاعران خود- و نه تنها حافظ و سعدی و فردوسی- بپردازیم و بر آنان و گفتار و پیامشان از دیدگاهی دیگر و با نگاهی ژرف‌تر- بآید و دیدگاه امروزین و برای نیازهای راستین امروز- بنگریم و بویژه شاعران معاصر را دریابیم که بیشتر و بهتر از گذشتگان، با ما زیسته و از ما سخن گفته‌اند و جهان امروز و محیط معاصر را تصویر و تفسیر کرده‌اند و از غمها و شادبها و از دردها و لذت‌های امروزی سخن گفته‌اند. گذشتگان را کم و بیش شناخته‌ایم. معاصران را نمی‌شناسیم.

□

بهترین اثری که از زنده‌یاد: «حسینعلی ملاح» برجای مانده و در یادهای اهل هنر زنده خواهد ماند، کتاب ارزشمند او: «پیوند موسیقی و شعر» است. «ملاح» پیش از «شفیعی کدکنی» و پیش از او از نظر فنی- چون موسیقیدان بود- به این پیوند راه برده و در بیان آن کوشیده است. با این تفاوت که «شفیعی کدکنی» گذشته از شاعر بودن، نویسنده است و در نویسندگی و شاعری- هر دو- زبردست؛ چون کارش این است. از این رو اثرش: «موسیقی شعر» اثری ادبی

نظم اندکی مصنوعی و متکلف می‌آمد، بلکه در نشست و برخاست‌های دوستانه نیز گفتمی پرده‌ای از ظرافتهای هنری و لطافتهای ادبی، مانعی برای صمیمیت‌های بی‌پروا و خصوصیت‌های دلگشا شده است!

او موسیقیدانی بود که بیشتر از موسیقی، به شعر و ادب می‌پرداخت و یا شاعری که تخصص نه در شاعری بلکه در موسیقی داشت. درین واپسین سالها، پیوسته با دیوان حافظ به سر می‌برد و در دفتر بزرگی به



قطع قدیمی رحلی، بیت بیت اشعار حافظ را معنی می‌کرد و درین معنی‌وری، به نکته‌هایی می‌پرداخت که می‌پنداشت دیگران به آنها دست نیافته‌اند و شاید نیز کم و بیش چنین بود... چنانکه بر سر بسی از جزئیات سخن سودایی و «سمبلیک» و پراز چم و خم حافظ به ویژه در برخی از اشاره‌های موسیقایی او و یا رعایت اصوات موسیقایی در شعرش به شرح و بسط طولانی می‌پرداخت و درین پاره با کمال فروتنی، ولی با اصرار و ایترام کسی که کاری بسیار جدی و حیاتی و ضروری انجام داده است، با دوستان به مباحثه و مشاوره و گاه به مهاجته‌ها و مناقشه‌های ادیبانه و هنرمندانه‌ای

پیوسته با چهره‌ای شاداب و شکفته و لبخندی مهربان و نهفته با دوستان روبه‌رو می‌شد و درود می‌گفت و به سخن‌های ملاطفت آمیز می‌پرداخت. به نظرم درود دوستانه‌اش همچون سرود شاعرانه می‌آمد. زیرا چندان با شعر و موسیقی انس گرفته بود و خوگر شده بود که چون لب به سخن می‌گشود، حتی در رهگذر، کلامش و صدایش با این دو هنرمی آمیخت. در مجلس انس و محفل دوستان نیز وقتی به خواهش آنان، سه تار را در بر می‌گرفت تا آن را کوه کند و نوایی برانگیزد، تو گویی دلستانی را در گلستانی به چنگ آورده پنجه در تارهای گیسوی او درافکنده، با او رازدل می‌گوید تا رازدل بشنود و آواز سر دهد...

هنگام نواختن نیز اگر چشمش نگاه تحسین و آفرین دوستی را بازمی‌یافت، همواره آن برق مخملی خنده‌ی نهفته‌ی هنرمندانه را داشت. هرگز ندیدم که هنگام نوازش، ابرو درهم فرو برد و تلخ و دور از حضار در خود فرو شود و شنوندگان را از یاد برد. گفتمی در آن هنگام نیز با دوستان و حضار مجلس، نزدیک و همسخن است و می‌گوید و می‌شنود و می‌خندد، ولی با شعر و آهنگ و ترانه...

همیشه جامه‌ای ساده و برازنده ولی بیشتر آراسته و پیراسته دربر داشت. تو گویی لطافت شعر و فخامت موسیقی نه تنها در کلام و آهنگ سخن او، بلکه در لباس و آداب پوشاک او نیز جلوه‌گر است. او هرگز زوئیدگی بعضی هنرمندان را نداشت در مجلسی که ادیبان بودند، او از همه ادیبانه‌تر سخن می‌گفت؛ ولی با کلامی آرام و نرم و با کوششی نجیبانه تا سخنش نه حمل بر خودستایی یا فضل فروشی شود و نه کسی را از دور یا نزدیک برنجاند. از این رو بیشتر فروتن و ملاحظه‌کار و محتاط به نظر می‌رسید و از شدت و حدت طبع و درشتی سخن برخی از صاحبان نبوغ هنری که طبیعتی بیشتر ناسازگار و مزاج سودایی ناملاطفت دارند، در او خیر و اثری ندیدم. در روش و رفتارش بسیار ملایم و آرام، و در دوستی و دید و بازدیدش بسیار در بند آداب و ترتیب بود تا مبادا سر سوزنی از حسن خلق دور شود و لحظه‌ای لطف محض را از دست بدهد و سخنی بگوید و کاری کند که در پندارش دور از ادب و هنر و مهجور از مقام ادیب هنرور باشد. از این رو گاهی نه تنها کلام ادیبی و بیشتر لفظ قلمش که می‌کوشید کنایه باشد، به

است همچنانکه اثر «ملاح» (پیوند موسیقی و شعر) اثری فنی است و به جزئیات فن موسیقی در شعر یا اثر شعر در موسیقی و موسیقی در شعر بیشتر پرداخته و از زبان موسیقیدان بیش از زبان شاعر - و البته نه با قلم يك نویسنده‌ی توانا - سخن گفته است. «ملاح» می‌کوشید که شاعر و نویسنده باشد؛ ولی پیش و بیش از شاعری و نویسندگی، موسیقیدان بود.

روزی در خانه جمع و جور قدیمی‌اش در «دروس» که پر از یادگارهای سالهای دور بود، آهنگی را که خود از تلفیق موسیقی ایرانی و فرنگی ساخته و سازشی میان چند دستگاه این دو موسیقی مختلف داده بود، به گوش دوستان رسانید و تحسین و آفرین آنان را برانگیخت. اگر «ملاح» در این راه کار می‌کرد، بی‌شک بیش از تشریح و تفسیر دیوان حافظ، در کار خود موفق و در هنر خود مشخص می‌شد؛ ولی متأسفانه واپسین سالهای عمر او به جای هنر موسیقی که در او اصالت داشت، صرف هنر تفسیر شعر حافظ شد که نه تنها در او اصالت نداشت بلکه به اصطلاح خود او: خارج می‌خواند!

او نه تنها به پر کردن آن دفتر رحلی از پنداشتها و یادداشت‌هایش پیرامون ابیات حافظ، عمر گرانمایه‌ی سالهای اخیرش را صرف کرد بلکه هفته‌ای یک روزخیز دوستانی را - که همگی حافظ‌شناس هم نبودند - گردهم می‌آورد و در خانه خود نوشته‌های آن دفتر بزرگ را برای آنان می‌خواند: دوستانی که همگی به سنین سالخوردگی و بازنشستگی رسیده بودند و می‌خواستند بیشتر برای درد دل و یادی از جوانی و فراموش کردن پیری، همدیگر را ببینند و چه بسا که بر اثر ثقل سامعه، سخن او را هم نمی‌شنیدند!

اما به هر روی، این نوشته‌های چاپ نشده او، یادگار گرانبهایی از آن دوست هنرمند از دست رفته است و اگر حافظ را چنانکه «ملاح» می‌خواست با چهره‌ای نوین و تمام عیار معرفی کند، حتی اگر نیم‌رخ نیز از او باشد، باز به بهای یادگار عزیزی که به شعر و موسیقی عشق می‌ورزید و در ابیات حافظ، بیش از پیام زندگی، ترانه‌ی عشق و دلدادگی می‌خواند، بسی غنیمت است.

«ملاح» همچون «ارشمیدوس» در خانه‌ی قدیمی‌اش در «دروس» سردرگریان خویش فرو برده و بی‌خبر از موج بلایی که با سوانح ایام به او نزدیک می‌شد، بجای دفتر «نت»، آن دفتر بزرگ رحلی را پیوسته در پیش روی داشت و با نگاهی بردیوان حافظ و قلمی بر آن دفتر، روز را به شب و شب را به روز می‌رسانید. ناگاه دید که لشکر سلم و تور به شکل بنا و عمله و مهندس و نقشه‌کش ساختمان و خریدار و فروشنده‌ی خانه‌های کلنگی، ویلاهای قدیمی «دروس» را یکی پس از دیگری ویران می‌کنند و درختان کهن را که سالها بر سر او و دیگران سایه افکنده بودند، از بیخ و بن در چند دقیقه با آره برقی برمی‌کنند و به جای آنها تیر آهن و آجر و فولاد و «بنون آرمه» می‌کارند و محیط سبز و خرم را مبدل به دوزخی از آهن گداخته می‌کنند و صدای «بولدوزر» و نهیب ماشینهای تزریق سیمان را به جای ترانه‌های گنجشکان و چهچهه پرندگان که با مرگ درختان از هر سو می‌گریزند، به گوش او می‌رسانند...

«ملاح» تا بخود جنبید، دید که در میان ویرانه‌های خانه‌های اطراف محاصره شده است و حیاط خرم و

... خدایش بیمارزد.

رواست که شعرها و نقاشیهای شادروان حسینعلی ملاح - هرچند اندک و پراکنده - در مجموعه‌ای گردآوری و طبع و نشر شود. امروز او دیگر در میان دوستانش نیست ولی آثارش نزد آنان و بازماندگانش هست. چنانکه تکیه کلام او بود: «شرافت دوستی» حکم می‌کند که آن آثار به دست دوستان دیرین، گردآوری شود و به چاپ رسد.

إن آسارنا تَدُلُّ عَلینَا  
أَنظروا بعدنا إلی الآسار

سرسبز خانه‌اش را از هر سو ساختمانهای غول‌پیکری که در «دروس» هرگز اجازه‌ی وجود زشت و حضور مزاحم خود را نداشتند، فرا گرفته‌اند. ناچار، خانه‌ای را که یادگار مادر و نخستین همسر دیرین از دست رفته‌اش: (دختر کلنل علینقی وزیر) بود و سالها در کنج آن خانه شعر خوانده و ترانه ساخته و کتاب و مقاله نوشته بود، در سرپیری، فروخت و در طبقه‌ی سوم عمارت بلند و نوسازی در میان مردمی ناشناخته و در کنار همسایگانی ناهماهنگ، مقیم «آپارتمان» تنگی شد که در آن جز هوای مصنوعی «کولر» و جز چهار دیواری محدود و محصور، و مهجور از محیط سبز و خرم و هوای باز و آزاد و مشتاقی اشیا کهنه‌ی عتیق چیز دیگری نبود. با این همه، «ملاح» که خوددار و بردبار بود، هرگز خم به ابرو نیاورد و در جایگاه نوین نیز به کار دیرین پرداخت؛ ولی غم از دست رفتن خانه‌ی مأموس گذشته و ملال جایگاه نامأموس نوین، رفته رفته در محیط محدود «آپارتمان» جدید، چنگ در جانش افکند... این سرطان روده نبود که بر جانش افتاد بلکه سرطان خانه بود که آزارش داد... سالخوردگان را به ویژه اگر هنرمند باشند، همچون درختان کهن، اگر جایجا کنند، دیر یا زود، پژمرده و خشک می‌شوند: ملاح، چند ماهی پس از انتقال از خانه‌ی دیرینه به آپارتمان جدید، احساس درد شدید کرد. در بیمارستان تشخیص سرطان روده دادند و بی‌درنگ کارد بیرحم جراح، جوارح او را درید. به او گفتند غده‌ی «خوش خیم» بود ولی بعدها شنیدیم که «بدخیم» بوده است.

روزی که در بازگشت از بیمارستان در خانه به دیدارش رفتم، حالش به ظاهر خوب بود. اندکی تکیه و رنگ پریده به نظر می‌رسید؛ ولی آن لبخند مهربان را همچنان بر لب داشت. سپس خدای را گفتم که حالش بهتر است. آهسته گفتم: «هنوز درد دارم» برای رسیدن به آپارتمان او در طبقه‌ی سوم، می‌بایست چندین پلکان را نفس زنان بالا رقت. روزی از خود پرسیدم: دوست هنرمند ما چگونه با شکم جراحی شده و درد باقیمانده بیماری‌اش از آن پله‌ها بالا و پایین می‌رود؟... چند روز بعد شنیدیم که همسرش در پی آپارتمانی در طبقه اول است ولی تقدیر این بود که «ملاح» بار دیگر مبتلا به آفت اسبابکشی و جابجایی بدتر نشود و برای همیشه به جای بهتری رود که در آنجا دیگر سرطان ساختمان و مغولهای بنایی و لشکر سلم و تور قطع‌کننده درختان به جانش نیفتند! مرگ به «ملاح» مهلت نداد تا تفسیرش را از اشعار حافظ به پایان برساند و چاپ‌شده نوشته‌ی خود را به عیان باز ببیند. این «بی‌توفیقی» را او بی‌خبر از سوانح ایام، چندین سال پیش از رحلت خویش، در تفسیر بیتی از حافظ، در همان کتاب «پیوند شعر و موسیقی» چنین بیان کرده است:

«...از این بی‌توفیقی، سالک به رنج در می‌شود؛

آتش به جانش می‌افتد، به مراقبه می‌نشیند و خویشتن خویش را در اخگر عشق و هجران و حرمان می‌سوزاند. خرقة زهدریایی را به آب آتشگون میکند عشق می‌سپارد، کاخ عقل را به آتش می‌کشد و سرانجام خرقة عجب و خودبینی را که مسبب این بی‌توفیقی برایش بوده است در آتش اشراق می‌سوزاند و با اشک از راه دیده فرو می‌ریزد و...»

مرکز آموزش کامپیوتر پارس افزار



طرح کاد میپذیرد

میدان ونک ملاصدرا - خیابان ملاصدرا شماره ۹۲

تلفن: ۴۸۸۲۴۵۵ - ۶۸۶۹۴۴ - ۴۸۸۶۱۹۷

## کلاسهای تندخوانی



### تقویت حافظه و تمرکز فکر

بدینوسیله تشکیل کلاسهای تندخوانی، تقویت حافظه، روشهای صحیح و علمی درس خواندن، مطالعه و یادگیری برای موفقیت در امتحانات و کنکور را به اطلاع می‌رساند.

### آموزش مکاتبه‌ای و حضوری

با گذراندن این کلاسها کلیه داوطلبان خواهند توانست کارآنی و بازدهی خود را حداقل ۲ تا ۳ برابر افزایش دهند.

### دوره کامل آموزش شامل:

- تکنیکهای افزایش سرعت مطالعه، قدرت و سرعت درک و یادگیری
- بهبود و افزایش تمرکز حواس، سرعت انتقال و سرعت عمل
- بخاطر سهاری سریع مطالب در حافظه: فرمولها، اسامی و لغات مشکل و خارجی، تاریخ، اعداد و سایر مواردیکه در امتحانات و کنکور حائز اهمیت میباشند.
- شیوه‌های صحیح تست زنی. • حداکثر استفاده از وقت.
- تسلط و حضور ذهن و جلوگیری از اضطراب و فراموشکاری در جلسه امتحان.

داوطلبان شهرستانها با ادرس زیر مکاتبه فرمایند:

مؤسسه تندخوانی و تقویت حافظه نصرت

کمی بالاتر از میدان ونک خیابان شریفی کدپستی ۱۹۶۹۸  
تلفن: ۴۶۰۴۸۳ - ۶۶۰۹۴۰ - ۶۸۰۳۳۷ - ۸۰۱۷۰۷۰

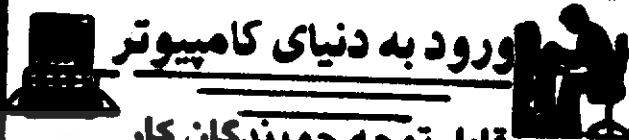
## شرکت کتاب و نوار زبانسرا

قابل توجه آموزشگاههای زبان، مهد  
کودکها و علاقه مندان به فراگیری

زبان

جدیدترین دوره‌های آموزش زبانهای زنده دنیا با  
نوار تهران - خیابان انقلاب اول وصال شیرازی پلاک ۲۷

تلفن: ۶۶۲۶۱۲



### ورود به دنیای کامپیوتر

### قابل توجه جویندگان کار

آموزش کامپیوتر اپراتوری، تایپ کامپیوتری، اتوکده  
پیسک، BASIC، DOS، فاکس و غیره ...  
در کوتاهترین زمان ممکن (صددرد عملی) و با  
نازترین قیمت در خدمت شما می‌باشد.  
ضمناً تعداد کثیری از کارآموزان بعد از تعلیم استخدام خواهند شد  
از شرکتهایی که به متخصصین فوق‌الذکر نیاز دارند خواهشمند است  
با این مؤسسه تماس حاصل نمایند. انقلاب نبش چهارراه ولیعصر  
ساختمان کیتود تلفن تماس: ۶۴۰۵۶۷۱

## کلیه خدمات انواع ارگ و پیانو

تضمینی در اسرع وقت ۶۳۸۷۷۶



مژده به علاقمندان کتاب  
در سراسر کشور

پیک کتاب نخستین مرکز ارسال کتاب به صورت مکاتبه‌ای اقدام به ایجاد مرکز  
اشتراک برای علاقمندان به تهیه کتاب نموده است علاقمندان به کتابهای  
روانشناسی، تاریخی، سینما، موسیقی، نقاشی، شعر، کمک آموزشی، پیش‌دانشگاهی  
کنکور، زبان انگلیسی و فنی می‌توانند با ارسال یک نامه به ادرس پیک کتاب در این  
مرکز مشترک شوند

پیک کتاب صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۸۳

تلفن: ۶۶۶۹۵۲-۶

بسمه تالی

مؤسسه نشر هنر اسلامی

وابسته به معاونت امور فرهنگی، هنری و اجتماعی

بنیاد مستضعفان و جانبازان

برگزار می نماید:

«سومین جشنواره سراسری سرود جانباز»



مؤسسه نشر هنر اسلامی به دنبال برگزاری موفقیت آمیز دو دوره جشنواره سراسری سرود جانباز جهت پرورش استعداد های درخشان هنرمندان جانباز و فراهم آوردن زمینه های انتقال تجربیات در نظر دارد سومین جشنواره سراسری سرود جانباز را در تاریخ ۱۷ لغایت ۲۰ دیماه ۷۱ برگزار نماید لذا خواهشمند است گروه های سرود با برنامه ریزی و رعایت موارد ذیل، خود را برای شرکت در این جشنواره آماده نمایند.

جشنواره در سه بخش مسابقه برگزار می گردد:

۱- گروه جانباز

۲- گروه فرزندان جانباز

۳- گروه های آزاد

گروه های جانبازان و فرزندان جانبازان با موضوع آزاد می توانند در بخش مسابقه شرکت نمایند و گروه های آزاد فقط می توانند با موضوع جانباز در جشنواره شرکت کنند.

شرایط و مقررات جشنواره

- ۱- اسامی اعضا گروه سرود و مسئول گروه باید حداکثر تا تاریخ ۷۱/۸/۲ به دفتر جشنواره ارسال شود در غیر اینصورت از پذیرفتن گروه در جشنواره معذور خواهیم بود.
- ۲- شعر سرودها را جهت بررسی همراه با اسامی گروه حداکثر تا تاریخ ۷۱/۸/۲ به دفتر جشنواره ارسال نمایند و همچنین در صورت محلی بودن متن شعر ترجمه فصیح آن جهت بررسی مورد نیاز است.
- ۳- هر گروه سرود می تواند چند سرود را جهت شرکت در جشنواره آماده کند تا پس از ارزیابی گروه انتخاب اثر پذیرفته شده به جشنواره راه یابد.
- ۴- هر گروه با یک سرود می تواند در بخش مسابقه شرکت کند.
- ۵- محتوای شعر سرودها از امتیازات بیشتری برخوردار است.
- ۶- از سرودهای تکراری و اجرا شده در مسابقات دیگر خودداری شود.
- ۷- عناوین ذیل جهت گروه های جانبازان و فرزندان جانبازان از امتیازات بیشتری برخوردار است حضرت ابوالفضل (ع) به عنوان الگویی جانباز - قرآن کریم - معصومین علیه السلام - نماز - امام و رهبری - فداکاری و ایثار - جانباز - آزادگان.

گاه شمار جشنواره

- |          |                                |
|----------|--------------------------------|
| ۷۱/۸/۲   | آخرین مهلت شرکت در جشنواره     |
| ۷۱/۹/۲   | بازرسی سرودها توسط هیئت انتخاب |
| ۷۱/۱۰/۱۷ | افتتاحیه جشنواره               |
| ۷۱/۱۰/۲۰ | اختتامیه جشنواره               |
- تذکر: گروه های شرکت کننده در بخش جانبازان و فرزندان جانبازان باید از سوی بنیاد شهرستان مربوطه کتبا تأیید گردند.

● دفتر جشنواره: تهران - میدان انقلاب روبروی سینما بهمن، بازارچه کتاب - طبقه اول - مؤسسه نشر هنر اسلامی صندوق پستی: ۱۳۱۴۵/۵۷۶  
جهت هماهنگی های لازم می توانید با تلفن: ۶۶۶۲۸۲ مؤسسه نشر هنر اسلامی دفتر جشنواره سرود تماس حاصل فرمائید.